

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

عزاداری از منظر فقه فریقین با تأکید بر پاسخ به شبهات و هابیت

استاد راهنما:

دکتر محسن ملک افضلی

نگارنده:

سعیده علیایی

زمستان / ۱۳۹۳

تقدیم بہ:

تمامی بانوانی کہ در واقعہ می جانسوز کربلا درس وفاداری و اطاعت و حمایت از

امام زمان (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) را بہ ما آموختند.

تشکر و قدردانی

خداوند مهربان را شاکرم که در این مرحله از زندگی نیز، رحمت خود را بر من نازل فرمود و مرا از نعمت راهنمایی و همراهی اساتید و عزیزانی توانمند و دلسوز بهره‌مند گردانید.

از استاد کران‌قدم، آقای دکتر محسن ملک‌افضلی تشکر صمیمانه دارم که با راهنمایی‌های ارزشمند خود؛ مراد نگارش این اثریاری نمود.

از پدر بزرگوارم سپاس گزارم که این فرصت ارزشمند را برای من فراهم کرد تا در آسایش و آرامش به تحصیل علم پردازم و همچنین مادر دلسوز و مهربانم که سجده‌ی ایثارش کل محبت را در وجودم پروراند و دامن گهربارش سخطه‌های مهربانی را به من آموخت.

چکیده

یکی از اختلافات فقهی امامیه و اهل سنت، خصوصاً با گرایش وهابی - سلفی، مسئله‌ی عزاداری است؛ تا جایی که گروهی از اهل سنت که به وهابیت شهرت دارند، شیعیان را بدعت گذار در زمینه‌ی عزاداری و گریه بر اموات می‌دانند. در پژوهش پیش رو به بررسی عزاداری در قرآن و مصادر روایی شیعه و اهل تسنن پرداخته و در ادامه تلاش شده است تا ضمن بیان دستورات فقهی شیعه و اهل سنت در باب برپایی عزاداری‌ها و احکام آن از منظر فقهی جدید، به بررسی آسیب‌ها و شبهات مطرح شده از جانب فرقه‌ی وهابیت پرداخته تا در پرتو این بحث، به اصالت جایگاه عزاداری بپردازد. در بررسی‌های انجام شده می‌توان چنین استنباط نمود که عزاداری در سوگ عزیزان، خصوصاً اولیای الهی، یک نیاز فطری و طبیعی بوده که منطبق بر عقل سلیم و شرع مقدس اسلام است. این مسئله که در فقه شیعه روشن و واضح است، در فقه اهل سنت و از دیدگاه مکاتب گوناگون آن نیز مورد پذیرش بوده و نمونه‌های بسیاری از آن در تاریخ ایشان ثبت و ضبط شده است.

واژگان کلیدی: عزاداری، گریه، شعائر، شبهات، وهابیت

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
۱. بیان مسئله.....	۱
۲. پرسش‌های تحقیق.....	۳
۳. فرضیه‌ها.....	۳
۴. ضرورت و اهداف تحقیق.....	۳
۵. سابقه و پیشینه‌ی تحقیق.....	۴
۶. روش انجام تحقیق.....	۶
فصل اول:.....	۷
کلیات.....	۷
۱-۱. مفاهیم.....	۸
۱-۱-۱. معنا و مفهوم عزاداری.....	۸
۱-۱-۲. مفهوم فقه.....	۹
۱-۱-۳. مفهوم شبهه و تعریف آن.....	۱۰
۱-۱-۴. مفهوم سنت.....	۱۳
۱-۱-۵. مفهوم بدعت.....	۱۵
۱-۱-۶. تاریخچه‌ی عزاداری در میان شیعه و اهل سنت.....	۱۷
۱-۱-۶-۱. تاریخچه‌ی عزاداری از ابتدای تاریخ.....	۱۸
۱-۱-۶-۱-۱. گریستن آدم (علیه السلام) در سوگ هابیل.....	۱۸
۱-۱-۶-۱-۲. گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر حمزه.....	۱۸
۱-۱-۶-۱-۳. گریه امام علی (علیه السلام) در سوگ حضرت زهرا (سلام الله علیها).....	۱۸
۱-۱-۶-۱-۲. تاریخچه‌ی شکل‌گیری مجالس عزای امام حسین (علیه السلام).....	۱۹
۱-۱-۶-۱-۱. عزاداری بنی هاشم در ماتم سید الشهداء (علیه السلام).....	۱۹

- ۱-۱-۶-۲-۲. عزاداری امام سجاد (علیه السلام)..... ۲۰
- ۱-۱-۶-۲-۳. عزاداری امام صادق (علیه السلام)..... ۲۰
- ۱-۱-۶-۲-۴. عزاداری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)..... ۲۰
- ۱-۱-۶-۲-۵. گریه‌ی حسن بصری در سوگ امام حسین (علیه السلام)..... ۲۱
- ۱-۱-۶-۲-۶. گریه‌ی خالد بن معدان..... ۲۱
- ۱-۱-۶-۲-۷. گریه‌ی توأین در سوگ امام حسین (علیه السلام)..... ۲۲
- ۱-۱-۷. فلسفه‌ی عزاداری..... ۲۳
- ۱-۱-۷-۱. دلایل کلی فلسفه‌ی عزاداری..... ۲۳
- ۱-۱-۷-۱-۱. فطری بودن عزاداری..... ۲۳
- ۱-۱-۷-۱-۲. عقلی بودن عزاداری..... ۲۵
- ۱-۱-۷-۱-۲-۱. محبت و دوستی..... ۲۵
- ۱-۱-۷-۱-۲-۲. انسان سازی..... ۲۶
- ۱-۱-۷-۱-۲-۳. جامعه سازی..... ۲۷
- ۱-۱-۷-۱-۲-۴. انتقال دهنده‌ی فرهنگ شیعی به نسل بعد..... ۲۷
- ۱-۱-۷-۲. فلسفه عزاداری امام حسین (علیه السلام)..... ۲۷
- ۱-۱-۸. فرقه‌ی وهابیت..... ۲۸
- فصل دوم..... ۳۲
- ادله‌ی اثبات عزاداری در فقه فریقین و بررسی احکام آن..... ۳۲
- ۱-۲. ادله‌ی اثبات عزاداری..... ۳۳
- ۱-۱-۲. ادله‌ی اثبات عزاداری در قرآن..... ۳۳
- ۱-۱-۱-۲. عزاداری، فریاد ستم‌دیدگان بر علیه ستمگران..... ۳۳
- ۱-۲. عزاداری و مودت اهل بیت (علیهم السلام)..... ۳۵
- ۱-۱-۲. عزاداری و بزرگداشت شعائر الهی..... ۳۶
- ۱-۱-۳. سوگواری یعقوب (علیه السلام) در فراق یوسف (علیه السلام)..... ۴۱

۴۳	۲-۱-۲. ادله‌ی اثبات عزاداری در سیره و روایات
۴۴	۱-۲-۱-۲. عزاداری در روایات شیعه
۴۴	۱-۱-۲-۱-۲. عزاداری در سیره‌ی نبوی
۴۵	۲-۱-۲-۱-۲. عزاداری در سیره‌ی معصومین (علیهم السلام)
۴۷	۳-۱-۲-۱-۲. سیره‌ی بزرگان اهل تشیع در عزاداری
۴۸	۲-۲-۱-۲. عزاداری در روایات اهل سنت
۴۸	۱-۲-۲-۱-۲. روایات جواز سوگواری
۵۰	۱-۱-۲-۲-۱-۲. سیره‌ی صحابه در عزاداری
۵۰	۲-۱-۲-۲-۱-۲. سیره‌ی بزرگان اهل تسنن در عزاداری
۵۲	۲-۲-۲-۱-۲. روایات عدم جواز سوگواری
۵۶	۲-۲. بررسی حکم کلی عزاداری
۵۷	۱-۲-۲. بررسی حکم عزاداری از منظر فقهای شیعه
۶۱	۲-۲-۲. بررسی حکم عزاداری از دیدگاه فقهای اهل سنت
۶۳	۳-۲. اقسام عزاداری و بررسی احکام آن
۶۳	۱-۳-۲. گریه کردن
۶۴	۱-۱-۳-۲. اقسام گریه
۶۵	۱-۱-۱-۳-۲. گریه‌های عاطفی
۶۵	۲-۱-۱-۳-۲. گریه‌ی پیوند هدف و عهد
۶۶	۳-۱-۱-۳-۲. گریه‌ی رنج و مشقت
۶۶	۴-۱-۱-۳-۲. گریه‌ی شکست و ناامیدی
۶۷	۲-۳-۲. روضه خوانی و مرثیه
۷۰	۳-۳-۲. تعزیه و شبیه خوانی
۷۴	۴-۳-۲. سیاه پوش کردن
۷۷	۵-۳-۲. سینه‌زنی
۸۱	۶-۳-۲. زنجیرزنی

۸۲	۷-۳-۲. قمه زنی.....
۹۳	فصل سوم.....
۹۳	بررسی آسیب ها و شبهات عزاداری.....
۹۴	۱-۳. آسیب شناسی عزاداری.....
۹۴	۱-۱-۳. آسیب ها در بعد اندیشه و مبانی فکری.....
۹۵	۲-۱-۳. آسیب ها در بعد گفتار و نوشتار.....
۹۶	۱-۲-۱-۳. خواندن روضه‌های دروغ و بی پایه.....
۹۶	۲-۲-۱-۳. استفاده از اشعار بی محتوا و الفاظ سخیف.....
۹۷	۳-۲-۱-۳. غلو کردن.....
۹۸	۴-۲-۱-۳. خرافات.....
۱۰۰	۳-۱-۳. آسیب ها در بعد رفتار.....
۱۰۰	۱-۳-۱-۳. غنا و استفاده از سبک‌های مبتذل در مداحی.....
۱۰۱	۲-۳-۱-۳. اکتفا به مداحی و سینه زنی.....
۱۰۲	۳-۳-۱-۳. بی توجهی به شعائر دینی.....
۱۰۳	۲-۳. بررسی شبهات و هائیت پیرامون عزاداری.....
۱۰۴	۱-۲-۳. بررسی حجیت سنت.....
۱۰۴	۱-۱-۲-۳. آیه‌ی تطهیر.....
۱۰۵	۲-۱-۲-۳. حدیث ثقلین.....
۱۰۵	۲-۲-۳. بدعت.....
۱۰۶	۱-۲-۲-۳. بررسی بدعت در روایات.....
۱۰۶	۱-۱-۲-۲-۳. حکم بدعت.....
۱۰۷	۲-۲-۲-۳. ارکان بدعت.....
۱۰۷	۱-۲-۲-۲-۳. تصرف در دین.....
۱۰۸	۲-۲-۲-۲-۳. ریشه نداشتن در کتاب و سنت.....

- ۱۱۰ ۳-۲-۲-۲-۳. اشاعه‌ی امر غیر مشروع
- ۱۱۱ ۳-۲-۲-۳. معنا و اطلاق لفظ بدعت در اندیشه‌ی وهابیت
- ۱۱۱ ۴-۲-۲-۳. شبهات پیرامون واژه‌ی بدعت
- ۱۱۱ ۳-۲-۲-۴-۱. لزوم تفویض شریعت
- ۱۱۲ ۳-۲-۲-۴-۲. لزوم تحلیل حرام و تحریم حلال
- ۱۱۳ ۳-۲-۲-۴-۳. عبث کاری و بازی با ثوابت شریعت
- ۱۱۴ ۳-۲-۲-۴-۴. لزوم واگذاری تمام ابواب فقه به عرف متشرعه
- ۱۱۴ ۳-۲-۲-۴-۵. هتک حرمت مبانی اسلام و ارکان شریعت
- ۱۱۵ ۳-۲-۲-۴-۶. ضرری بودن برخی از شعائر و وجوب دفع ضرر
- ۱۱۵ ۳-۲-۲-۴-۷. به استهزا کشیده شدن شریعت و دین اسلام
- ۱۱۷ نتیجه‌گیری
- ۱۱۹ فهرست منابع

مقدمه

۱. بیان مسئله

با توجه به پدیدار شدن رویکردهای نوین نسبت به تحلیل و تبیین مسائل، انسان معاصر در پی کنکاش و کالبد شکافی مسائل، مفاهیم و حقایقی است که با آنها زندگی می‌کرده و نسبت به آنها باورهای داشته است. در واقع پرداختن به مسائل، با نگاهی بیرونی، از ویژگی-های انسان معاصر است. بر این اساس آدمی می‌خواهد از بیرون به مسائل بنگرد و آن را مورد بررسی قرار دهد. در حقیقت عقل وی تا وقتی که توجیهی مقبول از مسائل به دست نیامورد یا حداقل آن را خرد ستیز نداند، نمی‌تواند در درون این پدیده قرار گرفته و آن را باور کند. زیرا بنیان‌های معرفتی انسان را به مسائل اسلامی و مؤلفه‌های فرهنگ شیعی، تقویت می‌کند و نباید فراموش کرد که در پرتوی این پشتوانه‌ی نظری، ایمان آدمی نیز تعالی می‌یابد.

یکی از مسائل مورد اقبال در جامعه‌ی کنونی برگزاری مراسم عزاداری است که به مناسبت‌های مختلف دینی و ملی برگزار می‌گردد. این سنت شگفت و روحمند، اگرچه در میان شیعیان رواج بیشتری دارد، اختصاص به مذهب خاص و نصوص ویژه‌ای ندارد؛ زیرا از لا به لای متون کهن و نصوص اولیه و فتاوی علمای مذاهب مختلف می‌توان بر آن حجت آورد. هنگام بررسی این موضوع با سه دیدگاه مواجه می‌شویم.

۱- دیدگاه نخست مربوط به پیروان مکتب تشیع هست که برای برگزاری این مراسم اهمیت زیادی قائل می‌شوند.

۲- در مقابل اکثر مذاهب اهل سنت اقبال چندانی به آن ندارند یا اگر چنین مراسمی را می‌پذیرند در سطح بسیار محدود است؛ هرچند در منابع روایی ایشان روایات زیادی دالّ بر صحت مراسم عزاداری وجود دارد.

۳- دیدگاه سوم مربوط به فرقه‌ی وهابیت است که آراء و نظراتشان تأثیرگذار بر روی سایر مذاهب اهل تسنن می‌باشد. این گروه که خود را پیروان احمد بن حنبل می‌دانند و به تفکرات ابن تیمیه معتقد هستند با دید تکفیری به قضیه نگاه کرده و شیعیان را به خاطر برپایی این مراسم، اعمّ از مذهبی و ملّی مشرک می‌پندارند.

برای نمونه ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه می‌گوید: «وَمِنْ حَمَاقَتِهِمْ إِقَامَةُ الْمَآثِمِ وَالنَّيَاحَةِ عَلَى مَنْ قَدْ قُتِلَ مِنْ سِنِينَ

عَدِيدَةً. وَ مِنْ الْمَعْلُومِ أَنَّ الْمَقْتُولَ وَ غَيْرَهُ مِنْ الْمَوْتَى إِذَا فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ بِهِمْ عَقِبَ مَوْتِهِمْ كَانَ ذَلِكَ مِنْ مِمَّا حَرَّمَهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ...^۱ «از جمله حماقت‌های آنان برپایی مراسم عزاداری و نوحه خوانی بر کسی است که سال‌ها پیش کشته شده است. و معلوم است که مقتول و غیر او از مردگان اگر بعد از مرگشان این کارها برایشان انجام شود، این‌ها از جمله چیزهایی است که خدا و رسولش حرام کرده است... ولی آنها این گونه کارها از قبیل به صورت زدن و گریبان چاک دادن را انجام می‌دهند...».

اونیز می‌گوید: «وَ كَذَلِكَ حَدِيثُ عَاشُورَاءٍ... وَ أَقْبَحُ مِنْ ذَلِكَ وَ أَعْظَمُ مَا تَفَعَّلَهُ الرَّافِضَةُ مِنْ إِتْخَاذِهِ مَآثِمًا يَقْرَأُ فِيهِ الْمَصْرَعُ وَ يَنْشُدُ فِيهِ قَصَائِدَ النِّيَاحَةِ...»^۲؛ «و همچنین حدیث عاشورا.. و قبیح‌تر و بزرگ‌تر از آن کاری است که رافضه انجام می‌دهند و آن روز را ماتم گرفته و مقتل خوانده و قصیده‌هایی برای نوحه انشاء می‌کنند...».

در این پایان نامه علاوه بر مراجعه به احادیث و منابع معتبر شیعه، به احادیث و منابع اهل سنت نیز مراجعه خواهد شد؛ زیرا در روایات و منابع اهل سنت نیز روایات فراوانی در زمینه‌ی مورد بحث وجود دارد. طبیعی است که در نقد و بررسی نظرات مکاتب اهل سنت، مراجعه به منابع آنها و استدلال به نظر بزرگان آن مکاتب برای پیروان آنها پسندیده‌تر و مورد پذیرش‌تر است.

۱. احمد بن عبدالحلیم بن تیمیة حرّانی، منهاج السنة النبویة، (محقق: دکتر محمد رشاد سالم)، چاپ اول، (مؤسسة

قرطبة، ۱۴۰۶هـ.ق)، ج ۱، ص ۵۲ و ۵۴.

۲. همان، ج ۸، ص ۱۵۱.

۲. پرسش‌های تحقیق

با توجه به مطالب ذکرشده در بیان مسئله، در این پژوهش سؤالاتی مطرح است که پاسخ به آنها مبنای اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. این سؤالات عبارتند از:

۱-۲. سؤالات اصلی:

- ۱- حکم عزاداری از منظر فقه فریقین چیست؟
- ۲- مهم‌ترین شبهات و هابیت در خصوص عزاداری کدام است و این شبهات چگونه پاسخ داده می‌شود؟

۲-۲. سؤالات فرعی:

- ۱- ادله‌ی جواز عزاداری از نظر شیعه و عدم جواز آن از نظر اهل تسنن و وهابیت کدام است؟
- ۲- اشکالات تشیع بر کسانی که مراسم عزاداری را نمی‌پذیرند چیست؟
- ۳- اشکالات اهل تسنن و وهابیت بر کسانی که عزاداری را می‌پذیرند کدام است؟

۳. فرضیه‌ها

در مقام پاسخ به پرسش‌های فوق، می‌توان چنین پاسخ گفت: از نظر فقه اسلام، برگزاری مراسم مذهبی مانند عزاداری‌ها جایز است و ادله‌ی اربعه و کتب معتبر روایی اهل سنت نیز بر این حکم دلالت دارد. و شبهات و هابیت در این خصوص در جهت تکفیر شیعیان بوده و فاقد مبانی مستحکم و علمی است.

۴. ضرورت و اهداف تحقیق

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در فرهنگ اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است، مسئله‌ی عزاداری است؛ که متأسفانه با همه‌ی اهمیت و جایگاه مهمی که در فرهنگ اسلامی دارد، در طول زمان دچار شبهات و آفاتی شده است که نقش این وسیله‌ی مهم را تا حدودی کمرنگ کرده است. مهم‌ترین دلیلی که بر اهمیت عزاداری وجود دارد، روایات زیادی است که در این زمینه به دست ما رسیده است. خصوصاً روایاتی که در زمینه‌ی گرامی‌داشت نام و یاد شهدای کربلا وارد شده است.

علاوه بر این می‌توان به نقش برجسته ی عزاداری‌ها در جامعه‌ی دینی اشاره کرد از قبیل:

۱- زنده نگه داشتن مکتب اسلام

۲- آشنایی و پیوند دلها با ائمه (علیهم السلام) و فراگیری راه آنها

۳- فراموش نکردن ارزش‌ها

گرچه نمی‌توان از برخی آسیب‌ها، شبهات و انحرافات این مسئله نیز غافل بود به خصوص که گروه‌ها و فرقه‌های ضالّه‌ای مانند وهابیت و حکومت‌های جائز، همچون اسرائیل و آمریکا در صدد هدم دین اسلام و ضربه زدن به مذهب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) هستند.

با تحقیق و بررسی در مورد عوامل وارد شدن تحریفات و شبهات به موضوع عزاداری، به نظر می‌رسد یکی از عواملی که در پیدایش انحرافات و تحریفات عزاداری مؤثر بوده است، نگاه غیر فقیهانه به مسئله‌ی عزاداری است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که محققین به طور دقیق به فقه عزاداری توجه کرده و کتاب و رساله‌هایی در این زمینه تدوین نمایند. همان طور که این پایان نامه درصدد آن است. تا بتوان به پشتوانه‌ی آنها، انحرافات و تحریفات عزاداری را شناخته و راه‌های مناسب جلوگیری از آنها را به دست دهد و زمینه‌ی هر چه بیشتر وحدت مسلمین اعم از شیعه و سنی در عرصه‌های مختلف را فراهم آورد؛ تا در این راستا بتوان در برابر طوفان‌های عظیم دشمنان اسلام که با ایجاد فرقه‌های انحرافی نظیر فرق خطرناک وهابیت درصدد هستند در اعماق جوامع اسلامی و در درون اندیشه‌ها نفوذ کنند و زمینه‌ی ایجاد بدبینی، سوءظن، اختلاف و نفاق میان صفوف مسلمانان را فراهم آورند؛ مقاومت نمود.

۵. سابقه و پیشینه‌ی تحقیق

عزاداری به ویژه عزاداری امام حسین (علیه السلام) به خاطر کارکردهای مفید آن، همیشه مورد توجه اهل بیت (علیهم السلام) بوده است و آنان ضمن تأکید بسیار به برپایی عزاداری، همواره مراقب و مواظب بوده‌اند که این مراسم الهی از مسیر خود منحرف نشود. مثلاً مداحین واقعی مانند کمیت، سید حمیری، عبدی کوفی، دعبل خزاعی را صله می‌دادند و تشویق می‌نمودند و در عوض به مداحینی که علاوه بر مدح اهل بیت (علیهم السلام) به مدح

ظالمان نیز می‌پرداختند، اجازه‌ی مدیحه‌سرایی نمی‌دادند؛ ضمن اینکه آنها همواره نکات لازم را به مدّاحین خود گوشزد می‌کردند.

پس از اهل بیت (علیهم السلام) این وظیفه‌ی خطیر بر عهده‌ی دانشمندان و علماء دین نهاده شد که آنان با بینش و درایت خود، این مراسمات را در مسیر صحیح خود هدایت و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کردند.

از این رو متفکران و نویسندگان بی‌شماری عزاداری را از ابعاد گوناگون کاویده‌اند و به چند بعد آن بیشتر توجه کرده‌اند؛ به طور مثال به چند نمونه از آن موضوعات اشاره می‌کنیم: فلسفه‌ی عزاداری، اهداف عزاداری، درس‌ها و پیام‌های عزاداری، جایگاه عزاداری، ابعاد و آثار معنوی، سیاسی، فرهنگی، جامعه‌شناختی عزاداری و....

آسیب‌ها و تحریفات عزاداری نیز از قرن سیزدهم توسط عالمان بزرگی همچون مرحوم محدّث نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان مورد بررسی قرار گرفت. اخیراً نیز در کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها مورد توجه جدی قرار گرفته است. از جمله پایان‌نامه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، توسط خانم منیژه شاهوردی با موضوع "شور حسینی: پیشینه‌ی عزاداری و آسیب‌شناسی عزاداری‌های قرن معاصر با تأکید بر عزاداری سیدالشّهدا (علیه السلام)" نوشته شده است.

از مباحث مرتبط با عزاداری، مسئله‌ی فقه عزاداری و احکام آن با نگاه تطبیقی و همچنین شبهات عزاداری است. از آن جهت که هر پدیده‌ای بر زندگی آدمی، بی‌نیاز از نگاه بیرونی و ارزیابی نیست، مسئله‌ی عزاداری نیز، نیاز به ارزیابی دقیق و عمیق توسط فقه‌پویای اسلام دارد؛ تا هرچه بیشتر به کمال و رشد واقعی خود دست پیدا کند.

در چند ساله‌ی اخیر، مباحث مربوط به احکام عزاداری و شبهات وارد بر آن، جسته و گریخته در لا به لای مطالب کتب و مقالات، به طور اختصار بخشی را به خود اختصاص داده‌اند و افرادی چون آقایان علی ربانی خلخالی، ابراهیم ابراهیمی، علی اصغر رضوانی، محمود کمالی و علمایی مانند آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی به بیان دیدگاه‌های خود در کتب مختلف، راجع به احکام، شبهات و آسیب‌های عزاداری پرداخته‌اند.

هر چند این آثار حاوی مطالب بسیار سودمندی هستند، اما جامع و کامل نیستند. ضمن اینکه هیچ کدام از این کتب با رویکرد تطبیقی به مسئله نگاه نکرده است.

مقالات و پایان‌نامه‌ها نیز به طور مستقل به این مسئله نپرداخته‌اند و بیشتر ناظر به فلسفه، آسیب‌ها و تحریفات عزاداری هستند.

به طور مثال آقای جواد محدثی در مقاله‌ی خود تحت عنوان فلسفه‌ی عزاداری به مباحثی نظیر خط احیاگری در عزاداری، آثار و نتایج اجتماعی و سیاسی، نقش عزاداری در عصر حاضر و... پرداخته است.^۱

همین مسئله موجب شد در فقدان منبع مستقل در این زمینه، با توجه به اهمیت آن، این موضوع برای نوشتن پایان‌نامه انتخاب شود تا بتوان عزاداری و احکام آن را با رویکرد تطبیق میان مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار داد؛ تا در این راستا به حکم حقیقی عزاداری از منظر فقه اسلام دست یافته شود. ضمن اینکه با پاسخ‌های مستدل و تکیه بر روایات معتبر و مورد وثوق همه‌ی مذاهب اسلامی، به رد شبهات فرق وهابیت در مورد عزاداری پرداخته شود. امید آنکه این پژوهش زمینه‌ی هر چند ناچیز برای برداشتن گام‌های عمیق‌تر در زمینه‌ی فقه عزاداری و شبهات وارد بر آن بشود.

۶. روش انجام تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بیشتر به صورت تحلیلی توصیفی است؛ به این طریق که با مراجعه به کتب مربوط و نرم‌افزارهای اسلامی، نکات مورد نیاز فیش‌برداری شده و سپس با تحلیل و تجزیه‌ی مطالب و داده‌های موجود به نتایج مورد نظر دست یافته شده است. همچنین از سایت‌های اینترنتی که حاوی جدیدترین مطالب راجع به موضوع مورد بحث هستند، استفاده شده است.

۱. جواد محدثی، "فلسفه‌ی عزاداری"، فرهنگ جهاد، سال سیزدهم، ۲ (بی تا): ۴.

فصل اول:

کلیات

۱-۱. مفاهیم

بحث پیش رو در بردارنده‌ی لغات و واژگانی است که درک معنای آنها در استنباط حکم عزاداری بسیار ضروری است. هم‌چنین برای روشن‌تر شدن جایگاه عزاداری، لازم است پیرامون تاریخچه و فلسفه‌ی عزاداری نیز، توضیح مختصری داده شود. لذا در بحث پیش رو ابتدا به شرح و تبیین واژگان کلیدی بحث پرداخته و سپس در مورد تاریخچه و فلسفه‌ی عزاداری و هم‌چنین معرفی فرقه‌ی وهابیت، توضیحاتی ارائه شده است.

۱-۱-۱. معنا و مفهوم عزاداری

کلمه‌ی عزاداری که امروز در زبان فارسی استفاده می‌شود، برگرفته از کلماتی همچون «عزاء»، «تعزیت»، «الاعتزاء» در زبان عربی است. لذا به بررسی این کلمه در زبان عربی می‌پردازیم.

در لسان العرب، عزاء به معنی صبر بر از دست دادن‌ها و مصائب، با گفتن عباراتی نظیر «أنا لله و أنا إليه راجعون» و استغاثه با گفتن کلماتی چون «یا للمسلمین» آمده است.^۱ در کتاب العین نیز چنین آمده است: عزاء به معنای صبر در مصائب است.^۲ از این رو می‌توان گفت: کمک خواستن و پناه بردن به کسی یا چیزی، صبر، تسلی دادن خود یا دیگران، برخی مؤلفه‌هایی است که از این لفظ (در لغت عرب) به دست می‌آید. در ارتباط این معنا با مفهوم عزاداری باید این نکته را متذکر شد که انسان به عنوان موجودی که دائماً طوق سنت ابتلای الهی گریبان‌گیرش است؛ برای تحمل و صبر کردن بر سختی‌ها و مصائب، معمولاً به کسی یا چیزی پناه می‌برد و از او کمک می‌خواهد و آرامش قلبی می‌طلبد. این آرامش و تشفی در ابعاد اجتماعی، با محبت کردن و ملاطفت با بازمانده، ستاندن داد او از ظالم یا گرفتن انتقام او از دیگری حاصل می‌شود.^۳ عزاداری در لغت نامه‌های فارسی چنین معنا شده است:

۱. ابراهیم شمس الدین نضال علی یوسف التجاعی، لسان العرب، چاپ اول، (بیروت: دارصادر، بی تا)، ج ۱۵، ص ۵۲.

۲. ابی عبدالرحمن خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، (محقق: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرانی)، (بی جا: دار و مکتبه الهلال، بی تا) ج ۲، ص ۲۰۵.

۳. ابراهیم ابراهیمی، آسیب شناسی آیین عزاداری، چاپ اول، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵ ه.ش)، ص

شکیبایی کردن، شکیبایی در مصیبت، سوگواری، تعزیت، سوگ و ماتم.^۱

همچنین در لغت‌نامه‌ی دهخدا، عزا گرفتن به معنای زاری و شیون کردن و به حالت ماتم زندگان در آمدن و برای سوگ و مصیبت، لباس در برکردن و به معنای اقامه‌ی سوگواری به سبب مرگ کسی آمده است.^۲

هم‌چنین در عرف و اصطلاح مردم غالباً همین معنای به حالت ماتم در آمدن و زاری و شیون کردن و... به ذهن تبادر می‌کند.

در نگاه اول به نظر می‌رسد که دو معنای صبر کردن و صبر دادن (در لغت عرب) و اقامه‌ی سوگواری، گریه و اندوه و... ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند؛ اما با کمی دقت می‌توان فهمید که این دو معنا نه تنها با یکدیگر مرتبط‌اند بلکه لازم و ملزوم یکدیگر نیز هستند؛ زیرا یکی از عواملی که باعث آرامش صاحب مصیبت می‌شود، سوگواری است. چرا که گریه کردن و حتی آه و ناله کردن در اغلب موارد، باعث آرامش می‌شود. به همین جهت نیز بعد از گریه کردن یا سوگواری نمودن، آرامش عجیبی در شخص سوگوار پیدا می‌شود؛ تا جایی که اگر شخص سوگوار از گریه کردن خودداری نماید، ممکن است با مشکلات روحی و روانی مواجه شود. بنابراین صبر بر مصیبت در نقطه‌ی مقابل سوگواری نیست؛ بلکه سوگواری نوعی آرامش یافتن و صبر بر مصیبت است.^۳

بنابراین عزاداری دارای دو معنای حقیقی و مجازی است؛ معنای حقیقی عزا همان صبر است که لغویین بدان اشاره نمودند و معنای مجازی که همان معنای عرفی عزاداری است، به معنای غم و اندوه است و بر شخص مصیبت دیده، هر دو معنا جاری است؛ چرا که فرد مصیبت دیده در عین حال که ناراحت و غمگین است، باید صبر نیز پیشه کند.^۴ آنچه در این تحقیق از عزاداری مورد نظر است و به تبیین آن در فقه پرداخته می‌شود، معنای عرفی یا مجازی عزاداری است.

۱-۱-۲. مفهوم فقه

فقه در لغت به معنای مطلق فهم یا فهم دقیق و عمیق مسائل نظری است و در اصطلاح نیز به معنای دانستن احکام شرعی فرعی از روی ادله‌ی تفصیلی است. در نتیجه باید گفت: در

۱. فرهنگ معین، «ذیل واژه‌ی عزا و عزاداری».

۲. دهخدا، ذیل واژه‌ی عزاداری».

۳. محمد تقی اکبر نژاد، از شور تا شعور حسینی، چاپ اول، (قم: انتشارات صفحه نگار، ۱۳۸۵)، ص ۲۵.

۴. سید محمد هادی حجازی، عزاداری در آیین ی استدلال، چاپ اول، (قم: انتشارات طوبای محبت، ۱۳۹۳)، ص ۱۵.

فقه، مطلق دانستن احکام، مورد نظر نیست؛ بلکه دانستن احکام به طرز تفصیلی و استدلالی مورد نظر است. به بیان دیگر، دانستن احکام از روی ادله‌ی آنها و وسائلی که در اثبات آنها به کار رفته است مدّ نظر بوده و بحث از وسائلی که در ثبوت آنها بوده است، نمی‌شود.^۱

۱-۱-۳. مفهوم شبهه و تعریف آن

در این قسمت به این موضوع می‌پردازیم که شبهات چیست‌اند و چه عاملی به وجود آورنده‌ی آنهاست؟ در وجود آدمی، یک حس و محرّک درونی است که می‌خواهد از کنه و ذات هر چیز آگاه شود و آن حسّ کاوش و حقیقت‌جویی است؛ که بشر را به دنبال فلسفه‌ها و علوم فرستاده است. لذا آدمی به دنبال کاوش برای کشف حقیقت، با مجهولاتی روبرو می‌گردد که قادر به حل آنها نیست؛ پس دچار شک، تردید و شبهه می‌گردد و حق و باطل در برابرش خلط پیدا کرده و امور مشتبه می‌گردد. حال باید به این سؤال پاسخ گفت که شک در دین امر پسندیده و خوبی است یا خیر؟

از آن‌جا که امور نسبی هستند، مسئله‌ی شک نیز امری نسبی است؛ یعنی این شک، گاهی اوقات شر و ناپسند است و بعضی اوقات مورد تأیید عقل و دین. در اولین نگاه به این مسئله این طور به نظر می‌رسد که شک و شبهه در دین مردود است چون عقل و دین به سمت یقین دعوت می‌کند؛ نه به سمت شک و تردیدی که در وجود آدمی تزلزل ایجاد می‌کند. اما در نگاه دقیق‌تر، این شک به دو قسم تقسیم می‌شود؛ شک پسندیده و شک مردود. در توضیح مفصل‌تر این دو نوع شک باید گفت: انسان تا وقتی که شک نکند، به یقین نمی‌رسد. شک و شبهه برای بشر پسندیده است؛ اما نه اینکه هدف و منزل خوبی برای بشر باشد بلکه معبری است که تا انسان از آن عبور نکند، به آن سر منزل بسیار عالی و لذیذی که یقین نام دارد نمی‌رسد. قرآن گرچه صریحاً دعوت به شک نمی‌کند، ولی می‌فرماید تقلید کورکورانه را از خود دور کنید و این در حقیقت دعوت به شک است؛ یعنی تردید کنید در آنچه که از پدران و مادران و اسلاف و محیط خودتان فرا گرفته‌اید. در قرآن آمده است: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ».^۲ ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنان البته پیروی خواهیم کرد.

۱. ابوالقاسم گرّجی، تاریخ فقه و فقها، چاپ اول، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها

(سمت) مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰.

۲. زخرف، ۳۳.